



پیام آموزش



صدر:

فروکاست؛
رابط ریاضی
و علوم انسانی



محوی:

نبایدکاسه
داغ تر از آتش
شویم



تمنا:

ما باید متن
را بخوانیم؛ نه
متن ما را!



یوسفی:

باید طبیعت
را به کلاس
درس بیاوریم



پرتوی مقدم:

شیوه‌های
مرسوم و قدیمی
کمک آموزشی را
نمی‌پذیریم



معرفی مرکز ترویج علوم انسانی

«مرکز ترویج علوم انسانی» با کادری مجرب و علمی و با هدف ارتقاء دانش علوم انسانی بین دبیران و فرهنگیان، و در نگاه کلان تر، میان دانش آموزان این رشته بنیان شده است. تا به امروز، این مرکز با برگزاری نشست‌های علمی و کارگاه‌های آموزشی و با تولید محصولات آموزشی و فرهنگی برای درس‌های تخصصی رشته علوم انسانی و با حضور برخی از مؤلفان کتاب‌های درسی، بخشی از اهداف خود را محقق ساخته است. «مرکز ترویج علوم انسانی» امیدوار است با ارائه بسته‌های فرهنگی و آموزشی نگاهی ویژه و مؤثر به این رشته داشته باشد و بتواند نگاه جامعه آموزشی را که دربرگیرنده مدیران و مسئولان آموزشی و دبیران و دانش آموزان و حتی خانواده‌هاست نسبت به این رشته تغییر دهد. هدف غایی ما تعالی رشته علوم انسانی است؛ رشته‌ای که زیر بنای توسعه است؛ و امیدواریم با کمک شما فرهیختگان بتوانیم هر چه بیشتر به رشد انسانی‌ها و جایگاه شایسته ایشان دست یابیم.

به‌زودی ...

بسته آموزشی دیجیتال درس تاریخ

گسست‌هایی در محتوای کتاب‌های تاریخ وجود دارد. این گسست‌ها ممکن است یادگیری دانش آموز را با مشکل روبه‌رو کند. در بسته آموزشی دیجیتال تاریخ، ضمن پر کردن خلأهای کتاب‌های درسی با مطالب بسیار کوتاه و نمودارها و تصاویر و نقشه‌های جذاب، سعی داریم علاقه دانش آموزان به درس تاریخ را بیشتر کنیم و به این هدف نزدیک شویم که دانش آموزان درس تاریخ را نه یک درس حفظی، که یک درس مفهومی بدانند.

مزیت‌ها:

تدوین تحت نظارت مؤلف کتاب درسی
پر کردن گسست‌های میان مطالب کتاب درسی
جذاب کردن مطالب
تبدیل درس حفظی به درس مفهومی
قابلیت تبدیل به روزنامه‌دیواری

محتوا:

جدول رویدادها و سلسله پادشاهان
نمودار خط زمان
شبکه اهداف
شبکه مفهومی

روزنامه‌دیواری منطق

منطق درسی کاملاً کاربردی است که تسلط در آن به نمونه‌های تمرینی زیاد نیاز دارد. در روزنامه‌دیواری منطق، داستان و شعر و کارتون و تصویر و تمرین‌های متنوعی بر اساس متون بقیه درس‌ها وجود دارد. این نشریه دیواری که به صورت ماهانه منتشر می‌شود، هم به دانش آموز کمک می‌کند آموخته‌های خود را تثبیت کند و هم او را ترغیب می‌کند دانش خود را در سایر دروس هم به کار گیرد. در روزنامه‌دیواری منطق روش تفکر انتقادی و مقایسه‌ای به دانش آموزان آموزش داده می‌شود. این محصول به گونه‌ای طراحی شده است که دانش آموزان بتوانند به صورت گروهی تمرین‌های آن را حل کنند و در خود روزنامه بنویسند و با ارسال آن برای «مرکز ترویج علوم انسانی»، این شانس را پیدا کنند که یافته‌ها و ایده‌هایشان، به نام خودشان، منتشر شود.

مزیت‌ها:

تدوین تحت نظارت مؤلف کتاب درسی
کاربردی کردن منطق
ایجاد ارتباط بین منطق و سایر دروس
تقویت تفکر انتقادی و آموزش روش مقایسه‌ای
تقویت کار گروهی
امکانات تعاملی با فضای دیجیتال
انتشار ایده‌های دانش آموزان در فضای دیجیتال به نام خودشان
انتشار ماهانه
پیشنهاد روش تدریس و نمونه سؤال به دبیران

محتوا:

نوشتار (داستان، شعر)
کارتون
تصویر
تمرین‌های متنوع





برنامه مطالعاتی هدفدار

برای موفقیت، باید هدفدار جست، هدفدار خواند، و هدفدار ماند. برنامه مطالعاتی هدفدار دقیقاً به همین منظور طراحی و ارائه می‌شود. این برنامه به صورت ماهانه منتشر می‌شود و برنامه‌ای دقیق و روزبه‌روز را در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌دهد. این محصول براساس بودجه‌بندی تدریس و آزمون‌های آزمایشی و به صورت کاملاً کارشناسی شده تنظیم شده است. برنامه مطالعاتی هدفدار برای کنکورهای و یازدهمی‌ها و دهمی‌هاست و این قابلیت را دارد که با هر نوع برنامه درسی مدرسه‌ای و هر کتاب کمک‌آموزشی سازگار شود. ویژگی بسیار مهم و کاربردی این برنامه‌ها، پشتیبانی صوتی هفتگی است که برای دوازدهمی‌ها تا شب کنکور و برای دهمی‌ها و یازدهمی‌ها تا ابد ادامه دارد!

مزیت‌ها:

روزبه‌روز و دقیق
مطابقت کامل با بودجه‌بندی تدریس و آزمون‌های آزمایشی
قابلیت تطبیق با همه برنامه‌های مطالعاتی و همه کتاب‌های کمک‌آموزشی
پشتیبانی هفتگی به صورت فایل‌های صوتی
تداوم تا شب کنکور

محتوا:

تقویم هفتگی
بودجه‌بندی دقیق مطالعاتی
پیشنهاد تمرین تشریحی و تست
معرفی منابع مفید

کارگاه‌های آموزش روش تدریس نوین

سه‌نوع درس وجود دارد: متنی (مانند منطق و جامعه‌شناسی)، زبانی (مانند زبان انگلیسی و عربی)، محاسباتی (مانند فیزیک و ریاضی). روش تدریس هر نوع درس با نوع دیگر کاملاً متفاوت است. مسلماً نمی‌شود ریاضی را همانطور تدریس کرد که زبان انگلیسی تدریس می‌شود. برای آنکه تدریسی موفق و ثمربخش داشته باشیم، اول باید ماهیت درس را تشخیص دهیم و بعد، هر درس را متناسب با نوع آن تدریس کنیم. در کارگاه‌های آموزش روش تدریس نوین، روش تدریس متناسب با هر نوع درس و براساس پیشرفته‌ترین و به‌روزترین روش‌ها آموزش داده می‌شود. این کارگاه‌ها در سه‌دوره مجزا، هر دوره برای یک نوع درس، برگزار خواهند شد. برای شرکت‌کنندگان در این کارگاه‌ها گواهی «حضور در دوره ضمن خدمت» صادر خواهد شد.

کارگاه‌های متن‌خوانی

در کارگاه‌های متن‌خوانی، شیوه متن‌خوانی آموزش داده می‌شود. با متن‌خوانی یاد می‌گیریم با فاصله مناسب با متن مواجه شویم و آن را از بالا نگاه کنیم؛ در نتیجه، هم متن را می‌فهمیم و هم خودمان آن را بازتولید می‌کنیم و هم نظر خود را بر متن تحمیل نمی‌کنیم. معلمانی که متن‌خوانی می‌دانند شادلوه روش تدریس خود را بر آن قرار می‌دهند و دانش‌آموزان چنین دبیرانی، نه تنها به‌همراه استادانشان مروجان متن‌خوانی خواهند بود، که لذت یادگیری در بالاترین سطح را هم خواهند چشید.

کارگاه‌های دروس زبانی

در کارگاه‌های دروس زبانی، علاوه بر برخی بحث‌های پایه‌ای زبان‌شناسی، نوع برخورد با این گونه درس‌ها و مؤثرترین راه‌ها برای آموزش و یادگیری چنین دروسی آموزش داده می‌شود. در این کارگاه‌ها، بحث خواهد شد که تفاوت دروس زبانی با دروس محاسباتی و متنی چیست و چرا تدریس این درس‌ها به شیوه دروس دیگر خطاست و چنین روش‌های نادرستی چه اثر بدی بر مهارت‌های زبانی و زبان‌آموزی دانش‌آموزان خواهد داشت.

کارگاه‌های دروس محاسباتی

در کارگاه‌های دروس محاسباتی، پس از به‌بحث‌گذشتن اهمیت و ضرورت یادگیری دروس محاسباتی برای دانش‌آموزان علوم انسانی و بررسی عوامل روانی مؤثر بر جبهه‌گیری دانش‌آموزان این رشته در برابر این نوع از دروس، بر مبانی و اصول پیونددهنده علوم وابسته به محاسبات و علوم انسانی تمرکز می‌شود و روش‌ها و فنون کارساز در بازشناسی و شکل‌دهی این پیوندها آموزش داده خواهد شد. هدف اصلی این دوره آموزش روش شکستن دیوار مقاومت دانش‌آموزان علوم انسانی در برابر یادگیری دروس محاسباتی است.

پیام آموزش و پیام مشاور

دو نشریه «پیام آموزش» و «پیام مشاور» برای مطالعه سریع در زمان‌های استراحت دبیران طراحی شده است. در هر شماره از این نشریه‌ها مطالب مفیدی که کاملاً با فضای درس و کلاس هم‌سوست بیان می‌شود. در پیام‌ها، به‌فراخور موضوع، مطالبی به‌قلم یا از زبان صاحب‌نظران و بزرگان حوزه تعلیم و تربیت، به صورت کوتاه و خلاصه‌شده و با گرافیکی جذاب، ارائه می‌شود. نکته مهم درباره این نشریات این است که علاوه بر نسخه کاغذی، نسخه دیجیتالی این نشریات هم تولید می‌شود که علاقه‌مندان به مطالب خاص هر نشریه، می‌توانند با استفاده از تلفن همراه خود به متن کامل مقاله‌ها و مصاحبه‌ها و فایل‌های صوتی و تصویری دسترسی پیدا کنند.

علوم انسانی و ریاضیات

ماجرای ریاضیات در علوم انسانی ماجرای عجیبی است. دانش‌آموزان با این باور که ریاضی را نمی‌فهمند یا در ریاضیات ضعیف هستند به علوم انسانی پا می‌گذارند. خانواده‌ها و معلمان و مشاوران و کل نظام آموزشی هم به این باور پروبال می‌دهند. نکته عجیب این است که دانش‌آموز انسانی فلسفه را می‌فهمد، ولی ریاضی را نه. معلوم نیست که چطور ممکن است کسی بتواند فلسفه را که درسی انتزاعی است بفهمد، ولی ریاضی را که آن هم درسی انتزاعی است نفهمد! این اتفاق دو دلیل دارد: یکی همین نگرش نادرستی است که دانش‌آموز با آن وارد علوم انسانی می‌شود و سیستم دایماً آن را باز تولید می‌کند؛ و دیگر این است که دانش‌آموز نمی‌داند چگونه با مسأله ریاضی روبه‌رو شود. مورد دوم مهم‌تر است و اگر بتوانیم چگونگی مواجهه با ریاضیات را به دانش‌آموز یاد دهیم، مهم‌ترین گام را در شکستن این دور باطل برداشته‌ایم. دوره تسلط دیوان سالارانه مهندسان و پزشکان باید تمام شود؛ باید اداره کشور را از شکل مهندسی به شکل انسانی تبدیل کرد. و البته چون مدیران باید بتوانند تحلیل کنند، لازم است کسانی که علوم انسانی می‌خوانند و در این حوزه کار می‌کنند، ریاضیات خود را قوی کنند. این دو اتفاق باید بیفتد، وگرنه چشم‌انداز پیشرفت و توسعه جامعه ما از ابهام خارج نخواهد شد.

درد شما چیست؟!

ریاضیات کجای زندگی ما حضور دارد و چرا باید ریاضی یاد بگیریم؟ از ریاضی دانی پرسیدند: ریاضیات به چه دردی می‌خورد؟ گفت: تا درد شما چه باشد! یعنی هر موضوعی ریاضیات خودش را به همراه می‌آورد؛ یعنی موضوع ریاضیات را مسأله واقعی تعیین می‌کند. مثال‌های زیادی وجود دارد که ریاضیاتی بسیار ساده، در حد ریاضی متوسطه اول، دارند و با کمک آن‌ها می‌توان به دانش‌آموز نشان داد که چگونه ریاضی، در بسیاری از مواقع، به مسأله‌ای کاملاً روزمره مربوط است.

ریاضی نه علم است و نه هنر؛ هم علم است و هم هنر

دستاوردهای بشری دو دسته هستند: هنرها و علوم. تفاوت این دو دستاورد در این است که هنر با زیبایی و ابداع سروکار دارد و بر اجتماع تأثیر می‌گذارد، در حالی که علم با کشف و توان پیش‌بینی سروکار دارد و بر فناوری تأثیر دارد. هنر بر پایه خلاقیت است، و علم بر پایه آزمایش و تجربه. در هنر مهارت بسیار مهم است، ولی در علم اطلاعات حرف اول را می‌زند. سؤال اینجاست که ریاضی هنر است یا علم؟ ریاضیات علم نیست چون با آزمایش و تجربه سروکار ندارد؛ هنر هم نیست چون با زیبایی کاری ندارد. پس ریاضی چیست؟

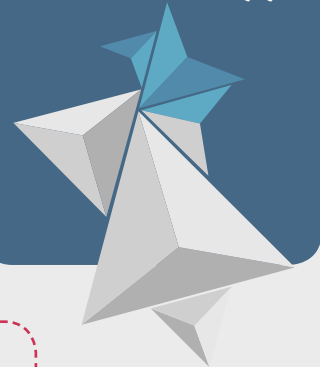
ریاضی یعنی اطلاعات و مهارت

ریاضی ماهیتی دوگانه دارد؛ نه علم است و نه هنر، ولی در عین حال، هم چهره علمی دارد و هم چهره هنری. در نظر داشتن این ماهیت دوگانه در آموزش ریاضیات بسیار مهم است. اگر در هنر مهارت مهم است و در علم اطلاعات، ریاضی شخصیتی است که هم مهارت می‌خواهد و هم اطلاعات. به همین دلیل است که، در آموزش ریاضی، باید مفاهیم و روابط به‌طور کاملاً مفهومی آموزش داده شود که اطلاعات مورد نیاز دانش‌آموز در دستش باشد؛ از طرف دیگر باید تمرین‌های زیادی حل شود تا مهارت دانش‌آموز هم به حد مورد نیاز برای حل مسائل برسد.

با ریاضی ذهن ساختار پیدا می‌کند

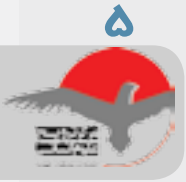
حتی اگر ریاضیات را از این جنبه نگاه نکنیم که هم هنر است و هم علم، در حالی که نه هنر است و نه علم، ویژگی دیگری هم در ریاضی هست که به تنهایی برای این که قانع شویم ریاضی یاد بگیریم کفایت می‌کند: «ریاضی ابزار تربیت ذهن است.» برای آموختن هر چیزی و موفقیت در هر کاری، لازم است ذهنی آماده و پرورده یا، در یک کلام، ساختارمند داشته باشیم. ما باید ریاضی بخوانیم تا ذهنمان ساختار پیدا کند. آموزش ریاضیات در همه‌جای دنیا متمایل به این هدف است. ریاضی مانند ورزش دو است. شما تا نتوانید بدوید، نمی‌توانید فوتبالیست شوید؛ و برای موفقیت در فوتبال باید سختی تمرین دیدن را به جان بخرید.

نشست «شیوه‌های تدریس ریاضی به زبان انسانی‌ها»؛ سخنرانان: وحید تمنا، بیژن احمدی، مصطفی علیزاده، میر شهباز صدر
زمان: دوشنبه، ۲۹ / مردادماه / ۱۳۹۷
محل برگزاری: تالار فرهنگ



احمدی





سخت نه، عمیق

خیلی‌ها ایراد می‌گیرند که کتاب‌های ریاضی علوم انسانی سخت‌تر شده‌اند. هرگز چنین نیست؛ مطالب ریاضی همان مطالبی است که در گذشته هم وجود داشت؛ فقط عمق بیشتری پیدا کرده است. نباید فکر کنید که مؤلفان کتاب‌های درسی به این دغدغه دانش‌آموزان که «ما ریاضی را نمی‌فهمیم، اگر می‌فهمیدیم رشته ریاضی را انتخاب می‌کردیم» توجهی نداشته‌اند؛ چرا! اتفاقاً ما به این مسأله کاملاً توجه داشتیم؛ ولی ما باید کاری کنیم که این بینش کم‌از‌بین برود. ما باید کسانی را تربیت کنیم که متفکر باشند و بتوانند عمقی فکر کنند.



صدر

فروکاست؛ رابط ریاضی و علوم انسانی

ریاضیات حل کردن مسأله در طبیعت است؛ فلسفه حل کردن مسأله در علوم انسانی است؛ ولی آیا ریاضیات و علوم انسانی با هم ارتباط دارند؟ پیش از پاسخ‌دادن به این سؤال باید به مفهوم فروکاست بپردازیم. فروکاست یا تقلیل‌گرایی یا تحویل نوعی نگرش به طرح و حل مسئله‌هاست؛ فروکاست یعنی یک نظام در نظامی دیگر قابل بازسازی است. فرگه و راسل سال‌ها تلاش کردند و حساب را در منطق بازسازی کردند و به این ترتیب، درستی ریاضی را با استناد به درستی منطق اثبات کردند؛ به عبارت دیگر، آن‌ها ریاضی را به منطق فروکاستند. حال می‌توانیم با استفاده از مفهوم فروکاست ارتباط ریاضی و علوم انسانی برسیم.

بحث‌های ریاضی ذاتاً فلسفی هستند

ارتباط منطق و حساب تنها ارتباط میان ریاضیات و علوم انسانی نیست؛ فلسفه هم پل ارتباطی مستحکم دیگری است. بسیاری از بحث‌های ریاضی ذاتاً بحث‌هایی فلسفی هستند. مثلاً در پاسخ به این سؤال که «عدد چیست؟» فلسفه‌ورزی‌های بسیار صورت گرفته است. فرگه می‌گوید «عدد یک شیء است»؛ دکارت می‌گوید: «عدد (یا به بیان بهتر تعدد یا تکثر) در چیزها ناشی از تمایز آنها است»؛ و استنلی جونز این مطلب را با تأکید خاص چنین بیان می‌کند: «عدد صرفاً نامی دیگر است برای تمایز» و در نهایت، نویمان با استعاره «زوج مرتب» مفهوم‌سازی استعاره‌ای اعداد طبیعی را برحسب مجموعه‌هایی که مجموعه‌های دیگر عضو آن‌ها هستند انجام داد. به‌وضوح می‌بینیم این‌گونه بحث‌ها بحث‌هایی فلسفی هستند و پاسخ‌دادن به سؤال «عدد چیست؟» با فلسفه بسیاری همراه بوده و هست.



بررسی تاریخ و جغرافی در نظام ج



«نشست تخصصی شیوه تدریس

دروس تاریخ و جغرافیا»؛

سخنرانان:

وحید تمنا، محسن یوسفی، روح‌انگیز

محو، عباس پرتوی مقدم.

زمان:

دوشنبه، ۲۰ / شهریور ماه / ۱۳۹۷

محل برگزاری:

تالار فرهنگ



نباید کاسه داغ‌تر از آتش شویم

وقتی در کتاب‌های درسی تأکید شده است که نباید از زیر نویس عکس‌ها و نمودارها و قسمت‌های «برای مطالعه» سوالی طرح شود، ما هم نباید کاسه داغ‌تر از آتش شویم و دانش‌آموز را اذیت کنیم. کتاب‌ها سنگین است و حجم زیادی دارد؛ به همین دلیل، بچه‌ها به حد کافی تحت فشار هستند. این که ما هم مطالبی بیان کنیم که دردی را از دانش‌آموز دوا نمی‌کند و از آن مطالب امتحان هم بگیریم اجحاف در حق دانش‌آموز است.

تدریس جغرافیا بدون نقشه بیهوده است

وقتی بحث بر سر جغرافیاست، اولین منبع نقشه است. برای تدریس این درس نقشه طبیعی ایران و جهان ضروری است. مثلاً وقتی از پراکندگی زلزله حرف می‌زنیم، بیهوده و حتی مسخره است که از نقشه استفاده نکنیم و محل‌های مورد نظر را روی نقشه به دانش‌آموز نشان ندهیم. داشتن یک نقشه طبیعی بزرگ از ایران و یک نقشه طبیعی بزرگ از جهان در کلاس درس بسیار کارگشاست.

به جای حفظ کردن می‌شود جغرافی را فهمید

خیلی از بحث‌های کتاب درسی خاص و علمی به نظر می‌رسند، درحالی‌که به راحتی می‌توانیم با مثال‌هایی روزمره این مطالب را به دانش‌آموز تفهیم کنیم. مثلاً در کتاب گفته شده است که «زلزله هنگامی رخ می‌دهد که سنگ‌های ناحیه پوسته‌ای زمین مقاومت خود را از دست می‌دهند و می‌شکنند و از این شکست انرژی و در نتیجه لرزش حاصل می‌شود.» این متن را به راحتی می‌توانیم، با مثالی، مانند مثال شکستن یک ترکه چوب، برای دانش‌آموز توضیح دهیم. اینجاست که دیگر دانش‌آموز حس نمی‌کند باید مطالب را حفظ کند، بلکه می‌فهمد با فهمیدن مطالب به خوبی می‌تواند آن‌ها را به خاطر بسپارد و به سوالات پاسخ دهد.

باید طبیعت را به کلاس درس بیاوریم

جغرافی درسی است که یا باید آن را در طبیعت بیاموزیم یا با نقشه و تصویر. کلاس‌های درس ما طوری نیست که بتوانیم جلسات درس جغرافیا را در کوه و دشت برگزار کنیم؛ بنابراین مجبوریم طبیعت را به کلاس درس بیاوریم. کتاب‌های درسی عکس‌ها و نقشه‌های زیادی دارند، ولی شاید بتوان با تصویرهای بیشتر فهم مطالب را برای دانش‌آموز آسان‌تر کرد؛ آن قدر مطلب و تصویر و ویدیوی مناسب و همسو با مطالب کتاب درسی و مأنوس‌تر و البته با اندازه بزرگ‌تر و کیفیت بالاتر وجود دارد که می‌توان همه کلاس را با تدریس و ارائه آن‌ها برگزار کرد و مطالعه متن کتاب و تحلیل تصاویر را به خود دانش‌آموز واگذار کرد. مثلاً برای مبحث حمل‌ونقل کتاب دوازدهم، که برای اولین بار در کتاب‌های درسی مطرح می‌شود، استفاده از تصاویری که خود دانش‌آموزان آن‌ها را تهیه کرده‌اند و تحلیل این تصاویر در کلاس درس بسیار سودمند است.



محو:



یوسفی





شیوه‌های مرسوم و قدیمی کمک‌آموزشی را نمی‌پذیریم

کتاب‌های تاریخ براساس اسناد بالادستی و با روش و محتوای تأیید شده نوشته شده‌اند. هر مؤسسه‌ای که در راستای ترویج این مباحث و این رویکرد و نقد محتوا در همین چهارچوب گام بردارد، ما هم می‌پذیریم و دستشان را به گرمی می‌فشاریم. البته رویکردهای جدید آموزش و پرورش با شیوه‌های قدیمی و مرسوم محصولات کمک‌آموزشی مخالف است و دفتر تألیف با اشخاص حقیقی و حقوقی که هنوز رویکرد و روش سابق را در پیش دارند همکاری و تعاملی نخواهد داشت.

دانش‌آموز باید بتواند قضاوت شخصی خود را ارائه کند

اهداف کلی برنامه درس تاریخ چیست؟ در این درس دنبال چه چیزی هستیم؟ آیا می‌خواهیم صرفاً مجموعه‌ای از داده‌ها و اطلاعات تاریخی را به خورد دانش‌آموز دهیم؟ بی‌شک پاسخ منفی است. ما در درس تاریخ اهداف مشخصی داریم؛ می‌خواهیم علاقه و کنجکاوی دانش‌آموز را نسبت به گذشته بسط دهیم تا زمینه یادگیری مادام‌العمر را فراهم کنیم؛ می‌خواهیم درک و فهم دانش‌آموز را نسبت به زمان و گاه‌شناسی توسعه دهیم تا بتواند رویدادها و تحولات مورد مطالعه را در یک نظم و ترتیب و توالی تاریخی مناسب بازیابی کند؛ می‌خواهیم به جای ترغیب دانش‌آموز به به‌خاطر سپاری مطالب، او را در موقعیت‌های مناسبی قرار دهیم که با رویدادهای سرنوشت‌ساز تاریخی درگیر شود و به زندگی مردمان و جوامع مختلف در گذشته توجه کند تا بتواند روابط و فرایندهای تغییر و تداوم اجتماعی را درک کند. و در نهایت، می‌خواهیم موقعیت‌های متنوع را برای یادگیری فراهم کنیم تا دانش‌آموز بیاموزد چگونه شواهد و مدارک تاریخی را بسنجد و دیدگاه‌های مختلف را ارزیابی کند و بتواند با استدلال‌های منطقی، قضاوت شخصی خود را ارائه کند.



پرتوی مقدم

تحکیم هویت و حس مسئولیت‌پذیری ثمره درس تاریخ است

چنین نوع برخوردی با درس تاریخ نتایج بسیار مثبتی به بار خواهد آورد؛ مثلاً می‌تواند به تحکیم هویت در ابعاد مختلف فردی و خانوادگی و محلی و ملی و جهانی منتج شود؛ روحیه میهن‌دوستی و گرایش درونی به سرزمین و فرهنگ آبا و اجدادی را تقویت کند؛ حس مسئولیت‌پذیری و تمایل به مشارکت‌جویی در حفظ و حراست از میراث تاریخی و فرهنگی را تعالی بخشد؛ و نیز، موقعیتی را برای دانش‌آموزان فراهم کند که یافته‌ها و تحلیل‌های تاریخی خود را به شیوه‌های مختلف ارائه کند.



کارگاه متن خوانی در همایش‌ها

حدود ۶۰ درصد درس‌های علوم انسانی درس‌های متنی هستند. اگر روش تدریس و مطالعه این درس‌ها درست نباشد، همان اشتباه همیشگی باز هم تکرار می‌شود که درس متنی را باید حفظ کرد؛ اشتباهی که متأسفانه بیشتر دانش‌آموزان و حتی گروه‌هایی از معلمان به آن دچار هستند. برای رهایی از این تفکر نادرست، ابتدا باید نگاهمان را به درس متنی تغییر دهیم؛ باید با تمام وجود درک کنیم که درس متنی فهمیدنی است نه حفظ کردنی؛ و شناخت و تسلط بر روش متن خوانی یکی از روش‌های کارساز تغییر نگاه است. در کارگاه‌های متن خوانی شیوه مؤثر برچسب‌زدن و آنالیز و جمع‌بندی متن آموزش داده می‌شود و کسانی که این دوره را پشت سر می‌گذارند روش‌ها و اصول تیتراژی، فهم موضوع، دستیابی به اندیشه‌های آشکار و پنهان، تفکیک نظر خود از نظر نویسنده و پرهیز از تحمیل نظر شخصی بر متن، و در نهایت، نظر دادن درباره متن و نه به اسم متن را خواهد آموخت.

«همایش علوم انسانی‌های بابلسر»

زمان:

چهارشنبه، ۱۴ / شهریورماه / ۱۳۹۷

محل برگزاری:

بابلسر - سالن باهنر

«همایش کتاب و زندگی؛ ویژه دبیران

رشته علوم انسانی شهر مشهد»

زمان:

دوشنبه، ۱۲ / شهریورماه / ۱۳۹۷

محل برگزاری:

مشهد - پژوهشکده عباس‌زادگان

همایش «کاربرد فناوری‌ها و روش‌های

نوین در تدریس؛ برگزار کننده: اتحادیه

انجمن‌های علمی - آموزشی معلمان

زبان و ادبیات فارسی کشور»

زمان:

دوشنبه، ۲۶ / مردادماه / ۱۳۹۷

محل برگزاری:

اراک - دانشگاه فرهنگیان



جلسه اول دومین روز دوره ضمن

خدمت با عنوان متن خوانی.

مدرس: وحید تمنا

اراک ۲۶ مرداد



اجرای کارگاه:

وحید تمنا

هر چیزی متن است و می‌شود آن را خواند

متن خوانی چیست؟ این سؤال مهمی است، ولی پیش از پرداختن به آن باید به سؤال مهم‌تری پاسخ دهیم: متن چیست؟ متن فقط یک مقاله یا یک کتاب یا، در کل، یک نوشته نیست. هر چیزی که از نشانه‌ها تشکیل شده باشد یک متن است و می‌توان آن را خواند؛ یک نقاشی، یک عکس، یک فیلم، یک قطعه موسیقی، حتی راه رفتن دونفر در خیابان؛ همه این‌ها سرشار از نشانه‌ها هستند و می‌توان آن‌ها را خواند. مگر نه این است که متن نوشتاری هم از حروفی تشکیل شده است که هر کدام یک نشانه هستند؟! منظور از متن خوانی روش یافتن و درک نشانه‌هاست. با استفاده از این روش، خواننده، بدون اینکه مسحور و مرعوب متن شود، نظر و حرف مؤلف را می‌فهمد. متن خوانی فرایندی فعال است که در آن، خواننده منظور نویسنده را آن گونه که هست درک می‌کند و یاد می‌گیرد ضمن حفظ استقلال فکری، نظر خود را به متن تحمیل نکند.





ما باید متن را بخوانیم؛ نه متن ما را!

این توضیح ساده و تعریف گونه متن خوانی است. نتیجه به کار بستن این روش در مواجهه با متن این است که نوع فهم ما از متن تغییر می کند؛ ما با این روش نه نظر خود را به متن تحمیل می کنیم و نه اجازه می دهیم متن خود را به ما تحمیل کند؛ ما در عین حفظ استقلال خود متن را از فاصله درست و از بالا می بینیم و آن را می خوانیم و با باز تولید متن، مفهوم آن را به درستی درک می کنیم. البته ممکن است این روش وقت گیر به نظر بیاید و برای متون پیچیده تر به راحتی قابل اجرا به نظر نرسد. با تمرین اما این هر دو مشکل یکجا برطرف می شوند. نکته مهم در اینجا این است که تمرین متن خوانی مانند تمرین های سخت بدنسازی ورزشکاران حرفه ای نیست؛ این تمرین همزمان با فهم است و لذت فهمیدن خود نیروی محرک تداوم تمرین است. پس از مدت زمانی که از این تمرین گذشت، ناخودآگاه خواندن شما نظام مند می شود و با همان سرعتی که متنی را می خوانید، متن خوانی هم می کنید.

موضوع چیست؟!

در متن خوانی می آموزیم که به موضوع متن پی ببریم. موضوع متن، در واقع، پاسخ به یک سؤال ساده است: «متن درباره چه حرف می زند». بسیاری از اوقات می توانیم موضوع را با روش های مختلف، مانند بررسی فراوانی واژه ها، پیدا کنیم. معمولاً در اولین تلاش ها، موضوع بسیار کلی خواهد بود، ولی اصولاً هیچ متنی به موضوعات بسیار کلی نمی پردازد، بلکه موضوع هر متن قیود و حدودی دارد. گام اول در متن خوانی این است که موضوع متن را بیابیم و ببینیم چه قیدهایی دارد تا به موضوع دقیق تر برسیم. مشکل این جاست که در مواردی بسیار، متن پیچیدگی هایی دارد که رسیدن به موضوع دقیق را دشوار می کند. این جاست که گام دوم مطرح می شود.

گام دوم در متن خوانی آنالیز متن است. آنالیز متن یعنی تکه تکه کردن آن به کوچکترین جمله های — تقریباً — مستقل. وقتی متن تکه تکه شد، با روشی مشخص می توانیم «اندیشه کلیدی» و «واژه های کلیدی» متن را استخراج کنیم. اندیشه ها و واژه های کلیدی نمای کلی متن را به صورت تیتروار در اختیار ما قرار می دهند. از این پس موقع حضور فعال خواننده در مرحله جمع بندی است. گام سوم در متن خوانی جمع بندی است. در جمع بندی، اندیشه ها و واژگان کلیدی در نموداری قرار می گیرند. این نمودار ساده متن را به متنی تصویری تبدیل می کند که همه اجزای آن با هم در ارتباط هستند. به این ترتیب، یک متن به یک تصویر تبدیل شده است که با نگاه به آن می توانیم متن را بفهمیم.



همایش کتاب و زندگی
پژوهشکده عباس زادگان
سخنرانی آقای وحید تمنا
موسس انتشارات
مشاوران آموزش



جامعه‌شناسی با رویکرد تحلیل محتوا



ما در مدرسه به دانش‌آموز جامعه‌شناسی را یاد می‌دهیم نه جامعه‌شناسی خواندن را. به همین دلیل است که هم دانش‌آموز و هم معلم این درس را صرفاً یک درس حفظی می‌دانند. این کار از اساس اشتباه است؛ جامعه‌شناسی یک علم است و باید آن را فهمید و به کار بست. وقتی این درس را حفظ کنیم، حتی بهترین دانش‌آموز ما هم فقط می‌تواند بگوید این چیست و آن چیست. او نه می‌تواند فکر خودش را بیوراند و نه حتی می‌تواند بفهمد متن چه گفته است. نه این که فکر کنیم این معضل فقط در مدارس وجود دارد؛ نه، این مشکل در دانشگاه هم هست. اگر دانش‌آموز و دانشجوی ما بدانند که با رشته‌ای مفهومی روبه‌روست و اگر متن خوانی بلد باشد، تحلیل یاد می‌گیرد؛ فکر می‌کند؛ خودش را و متن را می‌فهمد؛ و در یک کلمه، قدم می‌گذارد.

«نشست علمی شیوه‌نوین تدریس در درس جامعه‌شناسی با رویکرد تحلیل محتوا»؛ سخنرانان:

وحید تمنا، علی ایمانی، علیرضا شریفی یزدی، فروغ تیموریان

زمان: یک‌شنبه، ۴ / شهریورماه / ۱۳۹۷
محل برگزاری: تالار فرهنگ



جامعه‌شناسی متهم است

سال‌هاست که جامعه‌شناسی متهم است؛ علمی وارداتی با پیشینه‌ای بد و استعماری علمی است که مبنای فرهنگی آن با بخشی از جامعه ما یا بهتر است بگوییم بخشی از جامعه تصمیم‌گیرنده ما در تعارض است. در نتیجه، جامعه‌شناسی بازنگری شد و ما براساس فرهنگ خود جامعه‌شناسی را بازسازی کردیم و این کار قرار بود یک‌تنه در برابر همه پلشتی‌های جامعه‌شناسی غربی قرار گیرد. تا اینجای کار مشکلی نیست؛ مشکل از آنجا شروع شد که ما نتوانستیم ثمره این تلاش را در قالب مناسبی قرار دهیم و قبل از نقد و چهارچوب‌بندی این جامعه‌شناسی در حوزه آکادمیک، آن را یک‌سره به کتاب‌های جامعه‌شناسی مدارس سرازیر کردیم.

نقد در این فضا بیشتر شوخی است

نقد باید در فضای مباحثه درست انجام شود. وقتی یک‌سوی میز دیگری و دیگران را به سکولاریسم متهم کند و خود را یگانه سربازی بداند که قرار است به تنهایی فرهنگی ملی و اعتقادی را نجات دهد و جوانان را از شر جامعه‌شناسی، که دیگر اساتید و دانشجویان آن را چون سمی مهلک در فضا پراکنده‌اند، برهاند، سوی دیگر میز جایی برای بیان صحبت‌ها و نقدهایش نخواهد داشت. نقد و بحث در چنین فضایی بیشتر یک شوخی تلخ است.

نقض غرضی غیر اخلاقی

این عین بی‌اخلاقی است که بدون دانش کافی، بدون شناخت کافی از آموزش و پرورش، و بدون بررسی کافی، چنین مطالبی را به کتاب‌های درسی تحمیل کنیم و با استدلال‌های سست و بی‌منطق، دانش‌آموزانی را که تنها منبع اطلاعاتی و مطالعاتی آن‌ها شبکه‌های اجتماعی است در جایگاه منتقدانی سخت‌گیر قرار دهیم که به راحتی همه حرف‌های ما را با چالش‌های منطقی روبه‌رو کنند. این کار نه تنها غیر اخلاقی است که نقض غرض هم هست. ما می‌خواهیم جامعه را از ورطه غریب‌زدگی برهانیم، ولی کتاب‌های ما آنقدر سست و ضعیف و غیر علمی هستند که بدتر دانش‌آموزان را به غریب‌زدگی سوق می‌دهد.

نقد پابر جاست چون امید پابر جاست

ما به نقدهایمان ادامه می‌دهیم. سال‌هاست نقد می‌کنیم، ولی ناامید نمی‌شویم؛ همچنان امید داریم که بالاخره روزی کسی صدای ما را بشنود و اتفاق خوبی بیفتد. ما حتی حاضریم نمونه‌هایی هم ارائه کنیم. ما که می‌گوییم یعنی گروهی از معلمان و آموزش و پرورش‌پویشی‌ها که از همه بهتر مدرسه و فضای آموزش را می‌شناسند و در عین حال دانش کافی هم دارند. می‌توانیم چند درس بنویسیم و ارائه کنیم تا تصمیم‌گیرندگان بدانند که ما هم با اهداف نظام و سندهای بالادستی هم‌راستاییم و هیچ تعارضی با آن‌ها نداریم در همان راستا عمل می‌کنیم؛ با این تفاوت که شناخت و دانشمان فراتر از آن است که با تولید کتاب‌هایی مشکل‌دار نقض غرض کنیم.

شریفی یزدی





تغییر دادن نظر مؤلفان دشوار است

ما در شورای تألیف کتاب‌های درسی هستیم. جلسه‌های بی‌شماری با مؤلفین برگزار کرده‌ایم. بسیاری از همین انتقادات را مطرح و منتقل کرده‌ایم. ولی متأسفانه هرچه فریاد می‌زنیم هیچ تغییری ایجاد نمی‌شود. کتاب‌ها را مدعیان جامعه‌شناسی نوشته‌اند. آن‌ها می‌گویند کتاب‌ها براساس «سند تحول بنیادین آموزش و پرورش» تألیف شده است و تغییر دادن نظر ایشان واقعاً دشوار است. البته این طور نیست که هیچ راهی برای اصلاح وجود نداشته باشد. اتفاقاً کسانی در میان مؤلفان هستند که با وسعت نظر به انتقادات گوش می‌دهند.



تیموریان

اعتبارسنجی‌ها مؤثر هستند

اعتبارسنجی کتاب‌های درسی را جدی بگیرید. حضور فعال در اعتبارسنجی‌ها و ارائه نظرات، بسیار کارگشاست. فکر نکنید کسی به اعتبارسنجی‌ها کاری ندارد. با دقت و وسواس کتاب‌ها را بررسی کنید و به‌طور مستند و مکتوب نقد کنید. نقدهایتان کوبنده باشد؛ ولی به‌یاد داشته باشید که نقد باید با پیشنهاد همراه باشد. هر کجا دیدید جمله‌ای، عکسی، پاراگرافی، یا حتی درسی قابل نقد است، آن را نقد کنید و جایگزینی برای آن پیشنهاد کنید. مطمئن باشید که این موارد بررسی می‌شوند و بسیاری از آن‌ها اعمال خواهند شد.

تفکرات کلی و فلسفی و ایدئولوژیک درباره جامعه‌شناسی نیست

جامعه‌شناسی مطالعه علمی و منظم رفتارها و کنش‌های اجتماعی است؛ علمی معرفتی که از راه مشاهده و مقایسه و آزمایش به‌دست می‌آید و روشمند است. تفکرات کلی و فلسفی و ایدئولوژیک درباره جامعه و رفتارهای اجتماعی جامعه‌شناسی نیست. جامعه‌شناسی به مسایل اجتماعی می‌پردازد؛ یعنی برخی واقعیت‌های موجود در جامعه که به مشکل و مسأله تبدیل می‌شوند. مسایل اجتماعی ویژگی‌هایی دارند؛ از جمله این که همه یا تعدادی از کنشگران به آن اذعان دارند؛ جامعه آن را به‌عنوان مسأله می‌شناسد؛ در رسانه‌ها و افکار عمومی طرح می‌شود؛ سازمان‌ها به دنبال حل آن هستند و غیره. البته برخی اوقات مواردی ناپایدار که در زمانی کوتاه فراموش می‌شوند، در قالب مدیا یا هیاهو و غوغا مطرح می‌شوند، ولی این موارد، با اینکه در ظاهر چهارچوب و ویژگی‌های مسأله را بروز می‌دهند، مسأله اجتماعی نیستند. مسایل اجتماعی تا زمانی که حل نشده باشند باقی هستند و ممکن است تشدید نیز شده باشند. برخی از مسایل از این نظر شبیه بیماری هستند.



ایمانی

جامعه‌شناسی دانش آموز را برای اجتماعی شدن آماده می‌کند

جامعه‌شناسی و مطالعات اجتماعی در کتب درسی کشورهای نظیر کانادا و امریکا ارتباط تنگاتنگی با زندگی روزمره دارد؛ از این نظر کاربردی‌تر و عینی‌تر است و به مسایل روز جامعه توجه می‌کند. در کتب درسی، نه فلسفه دین و ایدئولوژی و سیاست یا تاریخ، بلکه جامعه‌شناسی کاربردی جایگاه خاصی دارد و کتب جامعه‌شناسی دانش آموز و فراگیر را برای اجتماعی شدن و زندگی در جامعه آماده می‌کند.

مواجهه با واقعیت‌های اجتماعی به‌جای مباحث غیر کاربردی و غیر علمی

در کتاب‌های درسی، می‌توانستیم به‌جای طرح مباحث غیر کاربردی و غیر علمی، نحوه مواجهه با واقعیت‌های اجتماعی و مهارت‌های شهروندی را به دانش‌آموزان یاد دهیم و چگونگی مطالعه علمی این واقعیت را آموزش دهیم؛ به‌عنوان مثال، در شرایط امروز زندگی اجتماعی، که انسان با سازمانها در ارتباط است، نحوه خدمات‌گیری و درخواست‌نویسی و چهارچوب‌های اداری را می‌شود به دانش‌آموزان آموخت.

جای بسیاری از مطالب در کتاب‌های درسی خالی است

اعتیاد و طلاق و حفظ محیط‌زیست و استفاده از خدمات شهری و اوقات فراغت و غیره مواردی هستند که، از نحوه مطالعه تا نحوه مواجهه، جایشان در کتب درسی خالی است؛ درحالی‌که همه این مسائیل و چالش‌ها در واقعیت روزمره زندگی شهری جدید وجود دارند.

تغییر رویکردها در آموزش زبان عربی

نمی توانیم همانطور که فیزیک درس می دهیم دروس زبانی را هم درس دهیم. در فیزیک یک مفهوم آموزش داده می شود، فرمول بندی می شود، مثالی از آن حل می شود و انتظار می رود دانش آموز سؤالات دیگری که از آن مفهوم است را با استفاده از فرمول هایش و با دقت به مثال حل شده حل کند، ولی در دروس زبانی هرگز چنین چیزی ممکن نیست. انتظار نظام آموزشی این است که یک درس زبانی با یک کتاب و یک معلم آموزش داده شود. این کار نشدنی است. در واقع، آموختن یک زبان، حتی در حد درک مطلب و نه مکالمه و مهارت های شنیداری، با آنچه یک کتاب و یک معلم ارایه می دهد فاصله بسیار زیادی دارد؛ تا این خلأ پر نشود، آموزش موفق نخواهد بود.

«نشست روش تدریس عربی نظام

جدید»؛

سخنرانان:

وحید تمنا، سهیلا خاکباز، امینه

کارآمد، جلال الدین افضل

زمان:

دوشنبه، ۲۴ / مردادماه / ۱۳۹۷

محل برگزاری:

تالار فرهنگ

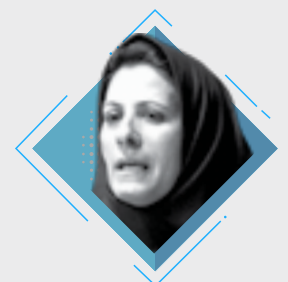


کار ما ایراد گرفتن از کتاب نیست، درس دادن است

رویکرد کتاب های نونگاشت کاملاً دگرگون شده است؛ در نظام قدیم کتاب ها قاعده محور بودند، ولی کتاب های جدید ترجمه محور هستند. این تغییر رویکرد مخالفان و موافقان دارد و موافقان هم ممکن است خود نقدهای جدی داشته باشند. بله؛ در کتاب های درسی ایرادهایی هست، ولی کار ما ایراد گرفتن از کتاب نیست، درس دادن آن است. به عنوان معلم، چه مخالف این تغییر رویکرد باشیم و چه موافق آن، باید خود را تغییر دهیم. اولین گام تغییر هم این است که بپذیریم کتاب تغییر کرده و ما هم باید تغییر کنیم.

نه هنر است و نه انصاف

نه بیان حرف های خارج از کتاب هنر است و نه طرح کردن سؤال از این مباحث؛ هنر این است — و انصاف هم این است — که در همان سطحی که دانش آموز باید بداند از او سؤال پرسیم. چرا باید از دانش آموز کلاس پنجم سؤالی در سطح کلاس هشتم و از دانش آموز دبیرستانی سؤالی در حد دانشگاه پرسیم؟! اگر می خواهیم سؤال سخت و چالشی پرسیم، باید در حد همین کتاب باشد نه در حد کتاب دو سال بالاتر. طرح کردن سؤال سخت و چالشی و چالشی است، اما امکان پذیر است. اینکه در برخی کتاب های کمک آموزشی و آزمون های آزمایشی یا حتی آزمون های رسمی آموزش و پرورش سؤال خارج از سطح و محتوا و اهداف کتاب می پرسند، دلیل نمی شود که ما هم این کار نادرست و غیرمنصفانه را تکرار کنیم.



کارآمد



هدف کتاب درسی آموزش صرفونحو عربی نیست

بسیاری از معلمان ایراد می‌گیرند که نمی‌توان با این کتاب عربی درس داد. این ایراد وقتی به‌جاست که قرار باشد صرفونحو عربی درس بدهیم. ولی آیا هدف کتاب درسی آموزش دستور زبان عربی است؟ مطلقاً خیر! هدف کتاب درسی این است که اگر دانش‌آموزی با یک متن عربی ساده روبه‌رو شود، بتواند آن را بفهمد؛ هم بتواند بفهمد و هم به این اعتماد به‌نفس برسد که بداند می‌تواند متن را تا حدود زیادی ترجمه کند. وقتی بدانیم هدف کتاب درسی چیست، می‌بینیم که بله، با همین کتاب هم می‌توان عربی درس داد.

در ترجمه تسلط به زبان مقصد مهمتر است

یک اصل در ترجمه وجود دارد و آن این است که تسلط بر قواعد زبان مقصد مهمتر از تسلط بر قواعد زبان مبدأ است. یعنی برای ترجمه از عربی به فارسی، کافی است قواعد عربی را در حد فهم کلیت متن و ساختار جملات آن بدانیم، ولی چون باید متن را به گونه‌ای به فارسی برگردانیم که خواننده آن را بفهمد، لازم است تسلط ما بر دستور زبان فارسی کامل باشد. «ترجمه از فارسی به عربی از اهداف کتاب درسی نیست»؛ به‌نظر من این مهمترین تفاوت کتاب‌های نظام قدیم و نظام جدید است؛ و دقیقاً به همین دلیل است که قواعد در کتاب‌های درسی بسیار کم‌رنگ‌تر از گذشته هستند، چون قرار نیست کسی از فارسی به عربی ترجمه کند.

مقصر خود ما هستیم

درس عربی را زیاد تحویل نمی‌گیرند! اولین مقصر خود ما دبیران عربی هستیم؛ تا خود ما درس‌مان را جدی نگیریم، دیگران هم درس ما را جدی نخواهند گرفت؛ نه بقیه دبیران، نه مشاوران، نه حتی دانش‌آموزان. چه بخواهیم، چه نخواهیم، دغدغه دانش‌آموزان کنکور است و درصدها به‌همین دلیل درس ما را تا حدی جدی می‌گیرند که بدانند به سقف درصد ممکن نزدیک می‌شوند. اگر ما هم فقط به دنبال این باشیم که درصد دانش‌آموزان را از بیست درصد به پنجاه درصد برسانیم، درواقع خودمان را در حد همین افزایش سی درصدی جدی گرفته‌ایم. این کار درست نیست.

در کنکور، خارج از گود و خارج از رویکرد کتاب وجود نخواهد داشت

ما دو انتخاب داریم: یا وقت خود و دانش‌آموز را تلف کنیم و چیزهایی به او یاد بدهیم که نه تنها دردی را از او دوا نمی‌کند، که فقط استرسش را بالا می‌برد، یا به رویکرد جدید کتاب درسی احترام بگذاریم؛ چه آن را قبول داشته باشیم و چه نه. منبع کنکور همین کتاب است. در کنکور، خارج از گود و خارج از رویکرد کتاب وجود نخواهد داشت؛ شکی در این وجود ندارد. بیایید جزوهای نظام قدیم خودمان را کنار بگذاریم و، همان‌طور که بالاخره در کتاب‌های درسی جدید به عربی به چشم یک زبان نگاه شده است نه یک دسته فرمول پیچیده قواعدی، ما هم با عربی مثل یک زبان برخورد کنیم.



افضل



خاکباز



منطق و فلسفه یا فلسفه و منطق؟

«نشست تخصصی شیوه‌ی
نوین تدریس فلسفه و منطق»؛
سخنرانان:
وحید تمنا، احمد خداداد،
جلال کریمیان
زمان:
دوشنبه، ۱۹ / شهریور / ۱۳۹۷
محل برگزاری:
تالار فرهنگ



فلسوف غیر منطقی

در نظام قدیم، همه چیز بر این پایه ادعا بود که «منطق اساس فلسفه است». این ادعا شاکله اصلی همه کتاب‌های منطق و فلسفه بود. حتی همین اصطلاح «منطق و فلسفه» خود تأکیدی بود بر تقدّم علمی منطق بر فلسفه. نتیجه این می‌شد که دانش آموز مطمئن می‌شد افلاطون فیلسوفی کاملاً غیر منطقی است! یا فلاسفه‌ای را می‌دید که حرف‌هایشان کاملاً منطقی بود، ولی نتایجی به دست می‌داد که کاملاً ناملموس بود؛ در نتیجه دانش آموز مطمئن می‌شد که این فلاسفه در کره‌ای دیگر زندگی می‌کرده‌اند! و میوه نهایی این دروس این بود که دانش آموز با خودش بگوید هیچکدام به درد نمی‌خورند! این فضا در نظام جدید دگرگون شد.

منطق ابزار علم است و فلسفه پرسش‌گری است

در نظام جدید، فلسفه و منطق از هم جدا شده‌اند؛ منطق به عنوان ابزاری معرفی شده که در همه علوم کاربرد دارد و فلسفه، برای اولین بار در کتاب‌های درسی، به سمت پرسش‌گری رفته است. دانش آموز قرار است در این کتاب‌ها بیاموزد که کار فلسفه پاسخ‌گفتن به پرسش‌های بنیادین است و کار منطق جلوگیری از ایجاد مغالطه در هر علم. این نوع برخورد با این دو علم در تاریخ پیدایش آن‌ها هم بوده است. وقتی ارسطو منطق را، سیصد سال پس از شکل‌گیری فلسفه، بنیان نهاد، به دنبال ساختن زیربنای چهارچوبی برای فلسفه نبود. اتفاقاً بسیاری از کتاب‌های خود او، بر اساس تعاریف منطقی، کاملاً غیر منطقی هستند. برای ارسطو، منطق یک روایت یا یک شاخه از تبیین صورت‌بندی نوعی از بیان عقلانی انسان است.

محافظه‌کاری در منطق، آزادی در فلسفه

در نظام جدید، معلم فلسفه و منطق نباید فکر کند یک دانش را درس می‌دهد. او باید بداند که در کتاب‌ها پذیرفته شده است منطق و فلسفه دو علم متفاوت هستند؛ بنابراین باید دو رویکرد متفاوت را برای تدریس این دو درس و کلاس‌داری آن‌ها در پیش گرفت. معلم منطق باید محافظه‌کاری در تعقل را به دانش‌آموز آموزش دهد و او را از هر نوع مغالطه‌ای بر حذر دارد. برعکس، معلم فلسفه باید به دانش‌آموز اجازه و جرأت بدهد که سؤال بپرسد تا بتواند تخیل کند، که بنیان تفکر فلسفی تخیل است.

حیرت فلسفی نتیجه تخیل است

تخیل نفی منطق نیست. تخیل با توهم فرق دارد. تخیل در واقع بخشی از تعقل است که حالت‌های ممکن دیگر را تصور می‌کند؛ این همان عالم خیال است که در فلسفه اسلامی در مرتبه‌ای بالاتر از عالم حس قرار دارد و ما را به حقیقت نزدیک‌تر می‌کند. تخیل باعث شود بینیم آنچه واقعی و بدیهی و عینی است تنها یکی از حالت‌های ممکن است. وقتی ما شرایطی خارج از شرایط عادی را تخیل می‌کنیم، مثلاً شرایطی را به ذهن می‌آوریم که در آن همه پدر و مادرها از فرزندانشان متنفرند و آن‌ها را رها می‌کنند، ممکن است به حیرت فلسفی برسیم. حیرت فلسفی نتیجه تخیل است.



خداداد





کلاس فلسفه جلسه سخنرانی نیست

کلاس‌های فلسفه ما چقدر فلسفی است؟ مباحث روز، مانند رسانه و مصرف‌گرایی، تا چه اندازه در کلاس‌های ما جا دارند؟ فلسفه به زندگی ما گره خورده است. اگر برخورد ما با فلسفه به مباحث بسیار خاص، مانند دعوی ابن سینا و ملاصدرا درباره ماهیت وجود، محدود شد، نتیجه چیزی جز تبدیل شدن کلاس به یک جلسه سخنرانی و روحانی کتاب نخواهد بود. و در این شرایط دانش‌آموز کاملاً حق دارد که فلسفه را درسی حفظی بداند. اگر بخواهیم این نگرش را تغییر دهیم، باید کلاس را تغییر دهیم و برای این تغییر باید اول خودمان را تغییر دهیم و فلسفه را برای خود دوباره تعریف کنیم.



کریمیان

نباید فلسفه از انسان دور شود

در سده اخیر فلسفه معنای کلاسیک خود را از دست داد و با زندگی روزمره پیوند خورد. پس از قرن‌ها دستاورد علمی و فلسفی، به ناگاه، بشر خود را در میانه جنگ‌های جهانی دید؛ +۱۰۰ میلیون نفر کشته شدند و غرب به این نتیجه رسید که نباید فلسفه را از انسان دور می‌کرد. در این بین، این حکم پذیرفته شد که فلسفه نباید فقط به موضوعات خاص خود بپردازد، بلکه باید موضوعات زندگی روزمره را هم دربرگیرد و با آن‌ها به صورت فلسفی مواجه شود.

فلسفه در زندگی روزمره

وقتی به عنوان معلم فلسفه بدانیم که فلسفه دیگر صرفاً آن موضوعات جوهر و عرض و ... نیست، کلاس خود را با این پرسش که فرق وجود و ماهیت چیست آغاز نمی‌کنیم، بلکه این سؤال را مطرح می‌کنیم که چرا چنین مسأله‌هایی شکل گرفته است و نسبت این پرسش‌ها و پاسخ‌هایشان با زندگی روزمره ما چیست. دیگر نمی‌توان تفاوتی میان فلسفه و جامعه‌شناسی قائل شد. معلم فلسفه باید حداقل‌هایی را از جامعه‌شناسی و روان‌شناسی و مانند آن بداند تا بتواند کلاس خود را با پرسش‌هایی که با اجتماع و زندگی روزمره ارتباط دارد آغاز کند و از دل این سؤالات به غایت انسان برسد. ما در فلسفه باید بر نقاطی دست بگذاریم که بر انتخاب‌های دانش‌آموز (که در سن انتخاب است) اثر گذار است.





منطق و فلسفه یا فلسفه و منطق؟
فیلسوف غیر منطقی



تغییر رویکردها در آموزش زبان عربی
کار ما ایراد گرفتن از کتاب نیست، درس دادن است



جامعه‌شناسی با رویکرد تحلیل محتوا
جامعه‌شناسی منتهم است



کارگاه متنی‌هانی در همایش‌ها
هر چیزی متن است و می‌شود آن را خواند



تاریخ و جغرافی در نظام جدید بررسی کتاب‌های پایه دوازدهم
نباید کلاسه داغ‌تر از آتش شویم



علوم انسانی و ریاضیات
در د شما چیست؟!



معرفی مرکز ترویج علوم انسانی
بسته آموزشی دیجیتال درس تاریخ



کانال دبیران علوم انسانی
@ensanidabir

کانال مشاورها
@moshaveraneirann

کانال انسانی‌ها
@ensaniha

سامانه پیامک
۰۲۱۶۶۹۶۲۸۴۸

تلفن
۰۲۱۶۶۹۷۵۷۲۷

تهیه و تنظیم: مرکز ترویج علوم انسانی
مدیر پروژه: مجید بهنام
شورای سیاست‌گذاری: وحید تمنا - امید شاه کمالی - جلال‌الدین افضل
مدیر هنری: علی کریمی
Email: tarvij@hmoshaveranpub.com

